

تکامل برزخی نفس

رضوانه نجفی سواد رودباری*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۴/۲۰

چکیده

هدف از طرح تکامل برزخی نفس، امکان و کیفیت تکامل نفس در عالم برزخ است. در ضمن بحث، به نظریه حرکت، قوه و فعل و نظریه تجدد امثال که به ترتیب مربوط به فلاسفه و عرفاست، اشاره می‌شود. سؤال‌های زیادی در رابطه با تکامل نفس بعد از مرگ مطرح است که در این مقاله به دو سؤال پاسخ داده می‌شود: سؤال اول، آیا تکامل در عالم برزخ ممکن است، یا در عالم بعد از مرگ تکامل امکان ندارد و سؤال دوم، آیا با فرض قبول تکامل برزخی نفس، کیفیت آن با تکامل دنیوی فرق دارد یا اینکه یکسان است؟

در نهایت، بحث به این نتیجه منتهی می‌گردد که تکامل نفس بعد از مرگ از دیدگاه نقلی، عقلی و شهودی، نه تنها ممکن بلکه امری مسلم و قطعی است.

واژگان کلیدی

تکامل برزخی نفس، عالم برزخ، عالم آخرت، حرکت، قوه و فعل، تجدد امثال

* دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه اصفهان و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی

najafi-1380@yahoo.com

دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

انسان موجودی مرکب از جسم و روح است. حقیقت و بعد اصلی وجود او را نفس و روح تشکیل می‌دهد. این بعد از وجود انسان است که قرآن کریم با زیباترین کلمات آن را ستوده است: روح خدا و نفخه الهی (رک. حجر: ۲۶)؛ تنزل یافته از عالم ملکوت و امر (رک. اسرا: ۵۴)؛ معلم ملائکه (رک. بقره: ۳۱)؛ و عرفا آن را مرغ باغ ملکوت و اکمل موجودات عالم معرفی کرده‌اند و همیشه ندای پرواز به عالم ملکوت در گوش او طنین انداز است. گاهی انسان را به لحاظ همین نفس مورد خطاب قرار داده، توییح کرده و پست‌ترین مخلوق معرفی کرده (رک. عبس: ۱۷ و رک. فرقان: ۴۴) و به پایین‌ترین مرتبه سقوط کرده است (رک. تین: ۵). در کلمات رهبران دینی شناخت نفس مرادف و ملازم با شناخت خدا و بهترین ابزار ترقی و تعالی انسان یاد شده است (برای نمونه، رک. مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۲) و از طرفی خطرناک‌ترین دشمن انسان معرفی گردیده است (برای نمونه، رک. مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۶۷، ص ۲۶). در ادبیات شعری نفس مانند جهنم است که هیچ وقت از بلعیدن سیر نمی‌شود.

نفس دوزخ است دوزخ اژدهاست
کو به دریاها نگردد کم کاست
(مثنوی، بی تا، دفتر اول).

این دوسویه بودن نفس انسانی، از پیچیدگی مسائل مربوط به نفس حکایت می‌کند و از این رو، از زوایای گوناگون در علوم مختلف کاوش و جست‌وجو شده است. هر علمی از منظر خاصی جنبه‌های مختلف آن را بررسی کرده است و محور بیشتر بحث‌ها مربوط به حدوث و چگونگی رشد و تکامل آن در عالم طبیعت است، اما در این مقاله، مباحثی پیرامون رشد و ترقی نفس در عالم برزخ بررسی می‌شود که از مسائل مهم در رابطه با نفس است. در این خصوص، سؤالات زیادی مطرح است که دو سؤال در اینجا بررسی می‌گردد:

۱. عالم طبیعت، جایگاه ترقی و تکامل است و نفس انسانی در دنیا از قوه به فعل، از کودکی به جوانی و از جوانی به پیری می‌رسد. اما آیا در عوالم بعد از مرگ هم نفس تکامل و ترقی می‌یابد؟

۲. در صورت مثبت بودن پاسخ نخست، این سؤال مطرح می‌شود که آیا تکامل بعد از مرگ هم‌سنخ با تکامل دنیاست، یا تکامل و ترقی بعد از مرگ، از لحاظ ماده و شکل با تکامل در دنیا تفاوت اساسی دارد؟

۱. تکامل نفس پس از مرگ

آنچه از منابع دینی و نظریات فلسفی و عرفانی استفاده می‌شود، این است که تکامل و ترقی نفس در عالم دیگر یک مطلب قطعی و تردیدناپذیر است؛ توصیه‌های دینی همچون احسان به مردگان، تقاضای رحمت و مغفرت برای آنان، خواندن قرآن و فاتحه، ادای قرض‌های مردگان (چه قرض عبادی و چه مالی)، باقی گذاشتن «باقیات صالحات» و سنت‌های حسنه و سنت‌های سیئه که موجب زیادی ثواب و عقاب بنیان‌گذاران می‌گردد، همه دلیل بر تکامل و ترقی نفس انسانی در عالم برزخ است. در اینجا به نمونه‌ای از دلایل اثبات‌کننده تکامل برزخی نفس در متون دینی اشاره می‌کنیم:

«کسانی که در دنیا به عهد و ایمان خود وفا نکردند و ایمان خود را به ثمن بخش فروخته‌اند، از برکات آخرت نصیبی برای آن‌ها نیست و خداوند آن‌ها را تزکیه و پاک نمی‌گرداند» (آل عمران: ۷۷).

از عبارت «یزکیهم» در اصل آیه برمی‌آید که انسان‌های مورد نظر خداوند متعال کسانی هستند که در دنیا، در صراط عبودیت قدم برداشته‌اند و در عالم حشر و مواقف آن، مورد توجه حضرت حق قرار می‌گیرند و حضرت حق آن‌ها را از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها پاک می‌گرداند، و گرد و غبار معاصی کوچک، که به روی آن‌ها نشسته و محجوبشان کرده است، با نظر لطف حق از سر و صورت آن‌ها پاک شده و آن‌ها را تطهیر و تزکیه می‌کند؛ کسانی که در صراط عبودیت نبوده‌اند، از این تطهیر و تزکیه محروم خواهند بود. بدیهی است که تزکیه حق غیر از تکمیل انسان و ارتقاء وجودی و کمال او چیز دیگر نیست.

به دلیل وجود چنین عباراتی است که به نظر بعضی، روایات وارد شده از اولیای دین در زمینه تکامل نفس در عالم بعد از مرگ متواتر است و بلکه این مطلب از

ضروریات دین و اجماع جمیع انبیاء و مرسلان است (رک. حسن‌زاده آملی، بی‌تا، ص ۳۱۰).

فلاسفه و عرفا هم به پیروی از وحی به تکامل نفس در عوالم آخرت اذعان دارند و آن را یکی از مراحل و حلقه‌های تکامل انسان می‌دانند. به نظر آن‌ها ترقی و تکامل در آخرت یکی از حلقه‌های استکمال انسان و رسیدن او به مقام فناء و وصول به اصل خود است.

ابن‌سینا معتقد است که همیشه نفس در تکامل، محتاج به بدن نیست، آنچه که لازم و ضروری است، نیازمندی روح به بدن در اصل حدوث است؛ نه در بقا. نفس بعد از آنکه به بدن تعلق گرفت و زمینه‌های ترقی و تکامل را در عالم طبیعت طی کرد و سپس از بدن جدا شد، در ادامه ترقی و بقای خود نیازمند بدن نیست و عوامل دیگری می‌توانند زمینه‌ساز تکامل نفس باشند (رک. ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۹۴).

وی در جای دیگر می‌فرماید: برهانی قائم نشده است که نفس بعد از مفارقت از بدن، تکامل و ترقی نداشته باشد (رک. ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۱).

علامه طباطبایی در پاسخ یکی از شاگردانش، به تکامل نفس بعد از مرگ اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«وقتی نفس از این عالم می‌رود و این روح مجرد یکباره ماده را ترک می‌کند و می‌رود، ماده بدون تعلق نفس روی زمین می‌ماند و «ثم انکم بعد ذلک لمیتون» تحقق پیدا می‌کند، باز همان نفس ناطقه پس از تجرد از ماده و پس از مردن به واسطه حرکت در جوهر خود رو به استکمال می‌رود؛ پس از گذراندن برزخ به صورت تجرد قیامتی درمی‌آید و لباس قیامتی می‌پوشد؛ «ثم انکم یوم القیامة تبعثون» متحقق می‌گردد. این‌ها همه به واسطه حرکت در جوهر است تا وقتی که انسان در ماده محض شد، حرکت در ماده بود و چون نفس ناطقه شد، حرکت جوهریش در نفس ناطقه است» (حسینی، بی‌تا، ص ۲۳۹).

محمی‌الدین در کتاب‌های خود به ویژه در «فصوص» تصریح دارد که نفس انسانی بعد از مفارقت از بدن، در عالم آخرت تکامل پیدا می‌کند. وی معتقد است انسان

همیشه در تکامل است، ولی به سبب لطافت و مشابه بودن صورت‌ها متوجه این ترقی نمی‌شود و به این آیه کریمه استشهاد می‌کند: «کلما رزقوا منها من ثمرة قالوا هذا الذی رزقنا من قبل واتوا به متشابهاً» (بقره: ۲۵). با توجه به این آیه، رزق‌هایی که هر لحظه به بهشتیان داده می‌شود، به سبب مشابهت تشخیص نمی‌دهند و تصور می‌کنند که همان رزق قبلی است، در حالی که دو وجود هستند که هر لحظه وجود خاصی ظاهر می‌گردد (رک. قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۸۴).

امام خمینی (ره) در تعلیقه بر این مطلب ابن‌عربی، اصل ترقی نفس در عالم برزخ و آخرت را می‌پذیرد و می‌فرماید: عالم طبیعت عالم ماده و هیولی است. ماده با حرکت جوهری و ذاتی خود مراتب ترقی و تکامل را می‌پیماید، ولی عوالم برزخ و آخرت چون ماده ندارد، تکامل در آن‌ها به صورت رفع حجاب‌ها و ظهور تجلیات صورت می‌گیرد (رک. امام خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷۰).

از مجموع مطالب ذکرشده روشن می‌گردد که تکامل نفس در عوالم بعد از مرگ از منظر وحی و از دیدگاه فلاسفه و عرفا امری مسلم و قطعی است.

۲. کیفیت تکامل برزخی و مشکلات آن

در رابطه با چگونگی تکامل برزخی نفس دو مشکل اساسی مطرح است که موجب شده گروهی با تکامل و ترقی نفس بعد از مرگ با تردید برخورد کنند. اگر بتوان برای این دو مشکل تفسیر و توجیه قابل قبولی ارائه داد، جواب سؤال دوم هم روشن می‌شود. ابتدا به بررسی اشکال اول می‌پردازیم.

۲-۱. اشکال اول و پاسخ آن

در تعریف تکامل گفته شده است، موجود متحرک در اثر حرکت، حالت و وصفی را به دست می‌آورد که قبل از حرکت، استعداد آن حالت و وصف را داشت و بعد از حرکت، حالت و صفت جدیدی را به دست می‌آورد (رک. طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۵). تکامل فرع بر قوه و استعداد است و قوه مبتنی بر ماده است. در جایی که قوه و ماده وجود نداشته باشد، حرکت موضوع پیدا نمی‌کند. اگر حرکت نباشد، تکامل وجود

نخواهد داشت. در عوالم بعد از مرگ به جهت نبود ماده و قوه، حرکت ممکن نیست و در نتیجه، تکامل نفس در عوالم بعد از مرگ را نمی‌توان پذیرفت. لذا نفس انسانی هر شکل و صفتی را در دنیا به خود گرفته باشد، تا ابد به همان شکل خواهد بود و هیچ گونه ترقی و اشتداد وجود، چه در جهت سعادت و چه در جهت شقاوت نخواهد داشت و روح به همان وضعی که در لحظه مرگ و انقطاع از بدن داشت، باقی می‌ماند.

در مقام پاسخ به این اشکال، برخی از معاصران گفته‌اند که عالم برزخ، ماده برزخی و مثالی دارد، و چون حرکت در ماده برزخی تحقق پیدا می‌کند، بنابراین، تکامل در آن عالم رخ می‌دهد (رک. شجاعی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۱۵۴). آیا با این مطلب می‌توان توجیه مناسبی برای تکامل و حرکت در عالم آخرت ارائه کرد. با توجه به اینکه ماده برزخی و مثالی آن طوری که تفسیر کرده‌اند، شکل و رنگ ماده را دارد، نه جوهر و جرم ماده (رک. طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۸۷). از سویی آنچه موضوع حرکت است، به ویژه بنا بر حرکت جوهری، همان ذات ماده است، ماده مثالی، ویژگی اصلی ماده یعنی جرم، را که زمینه حرکت و تغییر تدریجی است، ندارد. به همین سبب نمی‌توان گفت صورت مثالی و برزخی جسم، مادی است و دارای حرکت و تغییر است. اگر در عالم برزخ تغییر هست و تکامل رخ می‌دهد و نفوس استکمال پیدا می‌کنند، به نحو خروج از قوه به فعل و حرکت نیست؛ زیرا آنجا قوه و فعلی در کار نیست. قوه و فعل مربوط به عالم ماده و طبیعت است، بنا بر این مطلب، با توجه به مبانی فلسفی که حرکت را خروج از قوه به فعلیت می‌داند، نمی‌توان توجیه مناسب و عقلانی از تکامل نفس در عالم برزخ ارائه کرد. باید راه حل دیگری را جست‌وجو کرد تا هم به آن مسئله قطعی، یعنی تکامل نفس در عالم آخرت که مورد تأیید نقل و عقل است، ایرادی وارد نگردد و هم کیفیت تکامل روشن شود.

به نظر می‌رسد که بتوان با نظریه تجدد امثال که در عرفان مطرح است، پاسخی را برای سؤال اول فراهم ساخت. بر اساس نظریه تجدد امثال، عالم هر لحظه نو می‌شود، بدین نحو که صورت جدیدی از طرف حق افاضه می‌شود و تجلیات حق به طور مداوم بر عالم می‌ریزد. در این نظریه عالم هر لحظه معدوم می‌شود و بعد موجود می‌گردد و هر لحظه تجلی دیگری به وجود می‌آید. آنچه در لحظه اول موجود شد، در آن بعد

معدوم می‌شود و وجود دیگری تجلی پیدا کرده و به ظهور می‌رسد. حق تعالی به لحاظ «کل یوم هو فی شأن»، جمیع موجودات را با اسمای جلالیه خلع و معدوم می‌کند و توسط اسمای جمالیه موجود می‌گرداند (رک. قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۷۵ و ج ۲، ص ۸۳۹ و ۱۰۱۷).

جهان کل است در هر طرفه‌العین	عدم گردد و لایبقی زمانین
دگر باره شود پیدا جهانی	به هر لحظه زمین آسمانی
به هر ساعت جوان و کهنه پیر است	به هر دم اندر او حشر نشیر است
در او چیزی دو ساعت می‌نپاید	در آن لحظه که می‌میرد بزاید

(لاهیجی، ۱۳۷۴ش، ص ۷۵۴).

عالم هستی هر آنی معدوم می‌شود و موجود می‌گردد. اعدام‌ها و ایجادها فاصله‌ای ندارند؛ زمانی در کار نیست؛ زمان اگر وجودی داشته باشد، خود یکی از تجلیات خداوندی است. در این تجدد امثال ممکن است رتبه مثل بعدی بالاتر از مثل قبلی باشد. در آخرت، هر لحظه، وجود جدیدی برای نفس افاضه می‌شود و تجلی دیگری ظهور می‌کند؛ هیچ وحدت و اتصالی بین آن اول وجود و لحظه دوم برقرار نیست. عرفا می‌گویند: وقتی موجود اول معدوم شد و از نو خلق گردید، این تجلی و ظهور برتر و کامل‌تر از ظهور و تجلی قبلی است، در این نگاه نظام هستی مانند آب جوی است. هر لحظه آب جدید وارد جوی می‌شود که غیر از آب قبلی است (رک. شیرازی، ۱۳۸۰ق، ج ۸، ص ۳۸۲).

عالم چو آب جوست بسته نماید ولیک	می‌رود و می‌رسد نو نو این از کجاست
همیشه خلق در خلق جدید است	اگر چه مدت عمرش مدید است
همیشه فیض فضل حق تعالی	بود در شأن خود اندر تجلی

(آشتیانی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۹).

به گفته مولانا دنیا هر لحظه موجود می‌شود و معدوم می‌گردد ولی انسان‌ها از این موجود و معدوم شدن غافل‌اند.

هر زمان نو می‌شود دنیا و ما	غافلیم از نو شدن اندر بقاء
-----------------------------	----------------------------

هر زمان نو صورتی و نوجمال
 عمر همچون جوی نو نو می‌رسد
 تا ز نو دیدن فرو میرد ملال
 مستمری می‌نماید در جسد
 (مولانا، بی‌تا، دفتر اول).

استاد مطهری در توضیح مطلب عرفا می‌فرماید:

«عارفان به چیزی قائل‌اند، می‌گویند تجدد امثال، معنای تجدد امثال این است که عالم آن‌ا فانی می‌شود ولی نه بر سبیل حرکت و تجدد و تغییر اتصالی،... حرف عارفان... بر این اساس است که تجلیات حق به طور مدام بر عالم می‌ریزد و عالم مرتب معدوم و موجود می‌شود،... این‌ها فرقی میان دنیا و آخرت نمی‌گذارند... حکیمان در عالم غیب و آخرت قائل به حرکت نیستند، ولی نظر عارفان شامل آخرت و دنیا می‌شود، به طوری که در کلمات محی‌الدین تصریح به دنیا و آخرت شده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷۹).

محی‌الدین در کتاب «فصوص الحکم»، فص شعبی، می‌گوید:

«وقد ذکرنا صورة الترقی بعد الموت فی المعارف الالهية فی کتاب التجلیات لنا عند ذکرنا بعض من اجتمعنا به من الطائفة فی الکشف وما افدنا هم فی هذه المسالمة مما لم یکن عندهم» (قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۸۲۶).

شارحان «فصوص» توضیحاتی در زمینه تکامل نفس در عوالم بعد از مرگ ارائه کرده و مصادیق ترقی و تکامل را برشمرده‌اند. مشاهده انواع تجلیات الهی، دیدن درجات بهشت و درکات جهنم، بر طرف شدن عذاب گناهکاران و شفاعت از آنان را از جمله ترقیات و تکامل نفس می‌شمرند و معتقدند این ترقیات به صورت حرکت از قوه به فعل نیست بلکه به صورت تجدد امثال است. به تعبیر قرآن کریم، پرده‌ها از جلوی چشم انسان برداشته می‌شود و انسان تیزبین می‌شود و واقعیت‌های زیادی را مشاهده می‌کند. این رفع حجاب خود از مراحل تکامل نفس انسانی در عالم آخرت است «فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (رک. سوره ق: ۲۲ و خوارزمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۱؛ قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۸۲۹).

قیصری و دیگر شارحان فصوص تصریح می‌کنند که به سبب لطافت و رقت و نداشتن فاصله زمانی بین وجود قبلی و وجود بعدی است که افراد خیال می‌کنند وجود بعدی همان وجود قبلی است. خداوند متعال به این عدم توجه آنان اشاره می‌کند: «كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ» (رک. بقره: ۲۵ و قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۶۱۸ و جندی، ۱۳۶۱ش، ص ۴۸۷ و بالی‌زاده، بی‌تا، ص ۱۷۳).

استاد حسن‌زاده در پاورقی «شرح فصوص» می‌فرماید: «این مطلب ناظر به تکامل برزخی است» (قیصری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۶۱۸؛ همچنین رک. حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹ش، نکته ۶۳۷).

علامه حسن‌زاده در نکته ۱۳ کتاب «هزار و یک نکته»، بحث تجدد امثال را مطرح کرده و از کلمات ابن‌عربی و ملاصدرا این نکته را استخراج کرده است که تجدد امثال در دنیا و آخرت امری ضروری است. به نظر ایشان، حرکت جوهری همان تجدد امثال است. انسان دائماً در ترقی است، ولی از جهت لطافت و رقت حجاب به این ترقی توجه ندارد. ایشان همین معنا را از بحث حرکت جوهری «اسفار» برداشت کرده است، با این فرق که حرکت جوهری اختصاص به عالم طبیعت دارد و تجدد امثال در ماورای طبیعت هم ساری است؛ و می‌گوید که حرکت جوهری از «فصوص» ابن‌عربی برخاسته است.

در ادامه به این شعر استشهاد می‌کند:

شد مبدل آب این جو چند بار عکس ماه و عکس اختر بر قرار

و معتقد است صنایع چابک و چیره دست به اسم مصور، آن و آن... ایجاد امثال می‌کند که گمان می‌رود همان یک صورت پیشینه و دیرینه است (رک. حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹ش، نکته ۱۳).

از مجموع کلمات عرفا و بزرگان این مطلب را می‌توان استنباط کرد که تکامل در برزخ امری قطعی است و چگونگی آن را می‌توان از راه تجدد امثال توجیه و تفسیر کرد و تفسیر آن از طریق حرکت و ماده برزخی و مثالی قابل قبول نیست. شاید بتوان این مطلب را از آیه کریمه «کلما نضجت جلودهم بدلنا هم جلوداً غیرها لیدقوا العذاب»،

استفاده کرد. تعبیر «بدلنا جلوداً» با تبدیل و تجدد امثال بیشتر تناسب دارد تا حرکت و رویش پوست. نمی‌فرماید دوباره آن پوست را می‌رویانیم، می‌فرماید: به جای پوستی که ذوب شده، پوست دیگری بر آنان می‌پوشانیم، و چون پوست بعدی با صورت قبلی متشابه است، هیچ اختلافی در بین آنها نیست؛ لذا صاحب پوست، یعنی شخص جهنمی هم نمی‌فهمد که پوست دیگری بر تن او پوشانده شده است.

۲-۲. اشکال دوم و پاسخ آن

دومین اشکال این است که تکامل روح انسان با انجام اعمال عبادی و تکالیف شرعی صورت می‌گیرد و با طی مسیر حرکت در صراط مستقیم تحقق پیدا می‌کند. کسب ملکات نفسانی و مقامات عالی انسانی همه در سایه انجام اعمال عبادی و تکالیف شرعی است. عالم طبیعت، عالم کسب، فعالیت و عبادت است و این کسب و فعالیت زمینه تکامل نفس انسانی را در عالم طبیعت محقق می‌سازد، اما عالم آخرت نه جای عمل است و نه جای تکلیف. آنجا تکلیف و عمل در کار نیست تا انسان با انجام آن، مقرب درگاه حق تعالی گردد و نفس انسانی کمال پیدا کند. تکالیف مربوط به زندگی دنیوی است که با انجام آنها، انسان به قرب الهی نایل می‌شود. بنابراین، عوامل مؤثر در تکامل روح انسان، در عالم برزخ و بعد از آن وجود ندارد و تکامل هم بی‌معنا خواهد بود. قهراً نفس هر چه در عالم طبیعت اندوخته است، همان را خواهد داشت (رک. شجاعی، ۱۳۷۲ش، ص ۱۴۴). در پاسخ این سؤال لازم است تأثیرگذاری اعمال دنیوی را در عوالم بعد از مرگ بررسی کنیم.

مسیر انسان در عالم برزخ همان مسیری است که در دنیا انتخاب کرده است. اگر در دنیا در مسیر عبودیت و در صراط بندگی قدم گذاشته باشد، علاوه بر اعمال و رفتارهای نیک که قبل از ورود به عالم برزخ از خود نشان داده و برای عالم آخرت توشه اندوخته و مایه آرامش و آسایش خود را در عالم دیگر مهیا کرده است، آثاری نیز بعد از خود به جای گذاشته و باقیات صالحاتی از خود به یادگار می‌گذارد. این باقیات صالحات و سنت‌های نیک در حقیقت، عمل آن شخص است، با این فرق که گاهی عمل در یک زمان و مکان خاص اتفاق می‌افتد و تمام می‌شود و گاهی عمل، طولانی

مدت است. باقیات صالحات از قسم دوم است. این باقیات صالحات عواملی هستند که علاوه بر اینکه در دوران حیات دنیوی در سرنوشت او نقش ایفاء می‌کردند، بعد از مرگ نیز در حیات اخروی او نقش ایفاء می‌کنند؛ و موجب تکامل او در عالم برزخ می‌شوند و ارتباط انسان را با عالم طبیعت حفظ می‌کنند. لذا پیامبر اکرم(ص) فرمود: وقتی انسان از دنیا رفت، رابطه او با این جهان قطع می‌شود، مگر در سه مورد: صدقه جاریه، یا علمی که از او مردم نفع می‌برند، یا فرزند صالحی که برای پدر دعا می‌کند (رک. مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۴).

ایشان(ص) در روایت دیگر فرموده‌اند: هر کس سنت خوبی را در جامعه بنیان‌گذاری کند، برای او اجری است مثل کسانی که به آن سنت خوب عمل می‌کنند (رک. مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۲).

در جهت شقاوت نیز چنین است؛ اگر کسی در دنیا در راه شقاوت قدم برداشت، هر چه در دنیا انجام می‌دهد، موجب شقاوت نفس او می‌گردد. اگر از خود، سنت‌های بد و فرزندان ناصالح به جای بگذارد، هر چه در دنیا گناه و عصیان از ناحیه این بدعت‌ها و سنت‌های بد انجام می‌شود، برای او هم نوشته می‌شود و موجب شدت عذاب او در عالم آخرت می‌گردد؛ چون آن سنت‌ها پا بر جا هستند و عمل به آن بدعت‌ها گریبانگیر او نیز خواهد بود. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: هر کس سنت بدی را در جامعه بنیان‌گذاری کند، برای اوست مثل گناه کسی که به آن بدعت عمل می‌کند (رک. مجلسی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۲).

خوب یا بد، هر چه در اینجا انجام دهیم، آنجا همان را خواهیم یافت، لکن با اختلاف صورت و متناسب با نظام حاکم بر آن جهان. بنابراین، صورت عمل در دنیا و عالم طبیعت با صورت همان عمل در آخرت فرق می‌کند. صورت ملکوتی عمل غیر از صورت طبیعی آن است و هر کدام مطابق با نظام حاکم در آن جهان ظاهر می‌شود. به نظر بدوی، این دو با هم دیگر تناسبی ندارند، ولی در واقع عمل دنیوی در عالم دیگر به صورت خاصی که متناسب با آن عالم است، ظهور پیدا کرده است.

۳. نکته پایانی

با توجه به این مطلب که تکامل و ترقی نفس در عالم برزخ در سایه عمل دنیوی انسان است، سؤالی مطرح می‌شود که خیرات دیگران در حق مرده و تقاضای رحمت از خداوند برای او و دفن مرده در مشاهد مشرف و اماکن مقدس، در سعادت مرده چه نقشی می‌تواند داشته باشد، در حالی که هیچ ارتباطی با عمل مرده ندارد. چگونه باید نقش اعمال دیگران را در سعادت و تکامل مرده توجیه و تفسیر کرد. در عالم آخرت هر کس مرهون عمل خویش است (رک. مدثر: ۳۸)، چگونه چیزی که هیچ گونه ارتباطی با انسان مرده ندارد، می‌تواند با او مرتبط گردد و در سعادت و شقاوت او مؤثر باشد؟

تأثیر اعمال دیگران در سرنوشت انسان در عالم برزخ نیز مربوط به عمل او می‌شود و از آثار و نتایج عمل دنیوی و رفتار و کردار او در عالم دنیاست. دنیا و نظام دنیا، و هر چه در آن هست، و نظام آخرت، و هر چه در آن هست، همه اجزای یک واحد هستند. این طور نیست که بین دنیا و آخرت جدایی کامل حاکم باشد و هیچ گونه ارتباطی با هم نداشته باشند. ممکن است انسان در دنیا عملی انجام دهد و ثمره آن عمل این باشد که افراد دیگر در طول زمان آن را جبران کرده و پاسخ بدهند.

ممکن است انسانی در طول حیات دنیوی خود کار نیکی انجام داده که آثار آن عمل، احسان دیگران و تقاضای رحمت برای آن شخص مرده باشد. حتی ممکن است آن شخص مرده آدمی شقی باشد، ولی در دنیا کار نیکی از او سر زده است که نتیجه آن تقاضای رحمت دیگران برای او و تخفیف عذاب یا ارتقای درجه آن گردد. ممکن است اثرات اعمال دیگران در سرنوشت اخروی انسان‌های دیگر نقش داشته باشند، همان طوری که در سرنوشت دنیوی آن‌ها می‌توانند نقش ایفاء کند. قصه حضرت موسی(ع) با عبد صالح خدا در قرآن و مؤثر بودن عمل پدر صالح در زندگی دنیوی فرزندان، شاهد بر این مطلب است.

دفن در اماکن مقدسه و در کنار اولیای خدا و نقش آن در سرنوشت اخروی و تکامل انسان به این سبب است که اولیای خدا مظهر رحمت الهی‌اند و با عالم ملکوت پیوند و ارتباط دارند و وسیله نزول رحمت الهی و محل نزول فیض خداوندی هستند.

رحمت الهی که شامل آن‌ها می‌شود، به کسانی که در کنار آن‌ها مدفون شده‌اند، هم می‌رسد. رحمت واسعه الهی در این مکان‌ها توسعه پیدا می‌کند و شامل مدفونان آن مکان‌ها می‌گردد. همان گونه که خداوند در دنیا به سبب نیکوکاران بلاها را از انسان‌ها دفع می‌کند و نعمت‌های خود را نازل می‌کند. این تکامل مربوط به عمل انسان نیست و از تفضلات و عنایات الهی سرچشمه گرفته است. بعضی از عرفا به این مطلب اشاره دارند و معتقدند برخی از ترقیات مبتنی بر اعمال انسان است و برخی دیگر از تفضلات خداوندی و از فیوضات رحمانی تجلی می‌کند (رک. قیصری، ۱۳۸۲ش، ص ۸۲۷).

نتیجه‌گیری

۱. تکامل نفس منحصر در عالم طبیعت نیست بلکه در عوالم بعد از مرگ نیز نفس تکامل می‌یابد.
۲. تکامل در عوالم بعد از مرگ به شکل حرکت از قوه به فعل ممکن نیست بلکه به نحو تجدد امثال و ظهورات پی‌درپی اتفاق می‌افتد.
۳. زمینه‌های تکامل انسان بعد از مرگ پیوستگی کامل با عمل دنیوی انسان دارد و علل معده آن، اعمال دنیوی اوست.

کتابنامه

- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۰ش)، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۵ش)، تعلیقه بر فصوص ابن عربی، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- ابن‌سینا، حسین (۱۴۰۴ق)، التعلیقات، به کوشش عبدالرحمن بدوی، بی‌جا: الاعلام الاسلامیه.
- بالی‌زاده، مصطفی (بی‌تا)، شرح فصوص الحکم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جندی، مؤیدالدین (۱۳۶۱ق)، شرح فصوص الحکم، مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.
- حسن‌زاده آملی، حسن (بی‌تا)، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- همو (۱۳۷۹ش)، هزار یک نکته، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- حسینی طهرانی، محمدحسین (بی‌تا)، مهر تابان، بی‌جا: مؤسسه انتشارات باقرالعلوم.

- خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن (بی‌تا)، شرح فصوص الحکم، تهران: انتشارات مولی.
- شجاعی، محمد (۱۳۷۲ش)، معاد یا بازگشت به سوی خدا، بی‌جا: شرکت نشر سهامی.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۸۳ق)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۲ق)، نهایت الحکمه، بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی.
- قیصری، داوود (۱۳۸۲ش)، شرح فصوص الحکم محی‌الدین عربی، ج ۲، تصحیح حسن‌زاده آملی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- لاهیجی، محمد (۱۳۷۴ش)، شرح گلشن راز، مرکز انتشارات سعدی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۲ق)، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسه وفاء، چاپ ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، جلد ۲، انتشارات صدرا.
- مولانا، جلال‌الدین (بی‌تا)، مثنوی، بی‌جا: انتشارات کتابفروشی اسلامیة.